

کنکاشی در مبانی نظری
معماری و شهرسازی اسلامی
از منظر آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)

نصر اسلامی مجاوری

سرشناسه	: اسلامی مجاوری، نصر، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	: کنکاشی در مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)
مشخصات نشر	: تهران: آرنا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۵ص.
شابک	: 978-600-356-266-0
وضعیت فهرست نویسی	: قیای مختصر
یادداشت	: فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸-۹۹۷۲



عنوان	:	کنکاشی در مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث معصومین (ع)
مؤلف	:	نصر اسلامی مجاوری
ناشر	:	آرنا
صفحه آرایي	:	آزاده فرجی
طرح جلد	:	آزاده فرجی
گروه مطالعه و تحقیق	:	سمانه خان احمدلو-فاطمه ثبوت
چاپ	:	اول ۱۳۹۴
شمارگان	:	۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۳۵۶-۲۶۶-۰

www.arnapub.com

۱۱	مقدمه
۱۶	نبود اتفاق نظر در مفاهیم براساس جهان بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی
۲۰	آنچه که پیش رو است

فصل اول: تعاریف ۲۶

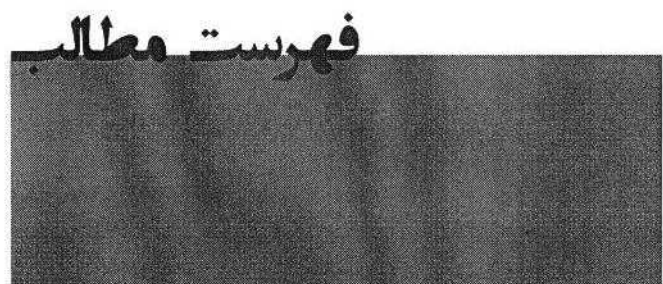
۲۶	شهر
۳۱	معماری
۳۸	باطن معماری و مراتب آن

فصل دوم: معماری و فرهنگ اسلامی ۴۶

۴۶	نسبت معماری با جهان بینی و فرهنگ
۴۹	اصول مؤثر در معماری و شهرسازی اسلامی
۵۰	معنویت گرایی
۵۰	نوآوری
۵۱	نشانه گرایی
۵۱	زیبایی
۵۲	عدالت اجتماعی
۵۲	انسان
۵۳	توسعه
۵۶	فرهنگ
۵۷	فرهنگ ایرانی
۵۸	توسعه فرهنگی
۵۹	معماری اسلامی

فصل سوم: بافت و شناسه در معماری و شهرسازی ۶۲

۶۳	شهر و بناهای شاخص
۶۶	ترکیب بندی عناصر ساختمانی
۶۷	مفصل بندی و پیوستگی (تداوم)
۶۷	مفصل بندی



۶۸	تداوم (پیوستگی)
۶۹	شناسه: نماها، گوشه‌ها، رابطه آن با زمین و آسمان
۶۹	لبه تیز
۷۱	ادغام سطوح
۷۲	فضا و مکان‌مندی احجام (بنا)
۷۳	ارتباط میان فضایی بناها

فصل چهارم: منابع اسلامی و معماری ۷۶

۷۶	زمینه‌های فکری و تاریخی انتساب معماری و شهر به اسلام
۸۰	رابطه مبانی فکری با «معماری» و «شهر» اسلامی
۸۴	منابع اسلامی و روشهای استفاده از آنها
۸۸	منابع و مراجع مورد استناد
۸۹	متون اسلامی (قرآن کریم و سنت معصومین (ع))
۹۱	سنت
۹۲	تجارب تمدن‌ها
۹۴	شرایط محیطی و اقلیمی
۹۵	روش استفاده از منابع
۹۵	شیوه بهره‌گیری از متون اسلامی
۹۸	شیوه بهره‌گیری از تجارب تمدن‌ها
۹۹	شیوه بهره‌گیری از شرایط محیطی و اقلیمی

فصل پنجم: اصول انتظام بخشی به شهر و معماری اسلامی ۱۰۲

۱۰۲	تعریف نظم
۱۰۳	اصل نظم: اصل ضروری فعالیت‌های انسان
۱۰۶	الگوها و مآخذ اصلی نظم
۱۰۸	صفات نظم در شهرسازی و معماری اسلامی
۱۰۹	ویژگی‌های نظم معماری و شهر اسلامی
۱۱۱	اصول انتظام بخشی به محیط
۱۱۱	اصل وحدت در کثرت
۱۱۹	تجلیات کالبدی اصل وحدت در کثرت
۱۲۰	تضادهای روند همسان‌سازی با وحدت
۱۲۲	اصل تعادل

فهرست مطالب

۱۲۴	تجلیات کالبدی اصل تعادل
۱۲۶	اصل زیبایی
۱۲۷	ارائه الگوها در زیبایی
۱۲۸	عوامل موثر در درک زیبایی
۱۲۸	اصل هماهنگی
۱۲۹	تجلیات کالبدی اصل هماهنگی
۱۳۰	اصل اندازه
۱۳۱	تجلیات کالبدی اصل اندازه
۱۳۱	اصل حد و حریم
۱۳۵	اصل هویت
۱۳۶	عوامل تأثیرگذار بر هویت
۱۳۷	مراتب هویت
۱۳۹	تجلیات کالبدی اصل هویت
۱۴۰	اصل سلسله مراتب
۱۴۲	جلوه‌ها و درجات سلسله مراتب در محیط مصنوع

۱۵۷	وحدت امت اسلامی
۱۵۸	نمایش وحدت کالبدی و یکپارچگی شهر و محله در عین کثرت اجزا
۱۵۹	وحدت بین عناصر ساخت انسان و طبیعت
۱۵۹	عدل
۱۶۱	عبودیت و عبادت
۱۶۳	تقوا
۱۶۵	ذکر
۱۷۱	امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۳	کرامت انسان
۱۷۶	عبرت‌گیری
۱۷۹	تفکر
۱۸۰	حیا
۱۸۲	تواضع
۱۸۳	اجتناب از کبر
۱۸۴	احسان

۱۸۶	امنیت
۱۸۹	هدایت
۱۹۲	تعاون و همکاری
۱۹۲	میانۀ روی
۱۹۳	تجلی توحید در شهرهای اسلامی
۱۹۴	تفویض مرکزیت شهر به عنصر مذهبی و تعدیل و کنترل مادیت حیات
۱۹۵	تجلی سلسله مراتب در شهرهای اسلامی

۲۰۰

فصل هفتم: شهر اسلامی از دیدگاه کالبدی

۲۰۰	اصول طراحی شهر اسلامی
۲۰۰	قوانین طبیعی
۲۰۰	بآورهای فرهنگی و مذهبی
۲۰۱	اصول طراحی منشعب از قانون شریعت
۲۰۱	اصول اجتماعی
۲۰۲	مؤلفه‌های کالبد شکافی شهر اسلامی
۲۰۲	مسجد اصلی
۲۰۲	سوق (بازارها)
۲۰۳	ارگ
۲۰۳	مناطق مسکونی
۲۰۳	شبکه خیابانی
۲۰۴	دیوار
۲۰۴	نمای خارجی
۲۰۴	شهرشناسی از دیدگاه کارکرد امنیتی شهرهای اسلامی
۲۰۴	امنیت اجتماعی
۲۰۵	امنیت فرهنگی - اعتقادی
۲۰۵	امنیت روانی
۲۰۷	ارتباط شهر اسلامی با عصر حاضر
۲۰۹	کتابشناسی

فهرست مطالب

مقدمه

هویت دارای دو بعد بیرونی-آفاقی و درونی-انفسی است و هویت فردی و اجتماعی انسان در برآیندی بین درون و بیرون شکل می گیرد. بعد بیرونی بیشتر بسته به شرایط محیطی و اقتضائات زمان نیست و از اینرو همیشه با نوعی نسبیت همراه است. بعد درونی بر گرفته از نفوس چهارگانه انسانیت.

- نفس گیاهی و نباتی
- نفس غریزی و حیوانی
- نفس عقلانی
- نفس روحانی

تقسیم بندی با همین ترتیب گویای نزدیکی و فاصله آنها از هدف غایی آفرینش است. نفس نباتی یا رشد کننده مسئول ویژگی هایی از انسان است که مربوط به متابولیسم و رشد و نمو، و پرورش جسمی او است. نفس حیوانی حس کننده است و مسئول حواس پنجگانه بنا بر این غرائز را نیز شامل می شود و منوط به لذت ها و آلام بشری است. نفس عقلانی تدبیرگر است، برگیرنده حکمت و نزاهت و تمیزدهنده خیر و شر و با اندیشه انسانی در ارتباط است. عقل روحانی نیز همان قلب است که مسئول احساسات و عواطف عمدتاً روحانی انسان است و ارتباط با پروردگار هستی را به عهده دارد و منتج به رضایت و تسلیم به او می شود.

هرکدام از این نفوس می تواند منبع الهام یا منشا اثر در آثار هنری باشد و به خاطر تفاوت انسان با سایر موجودات در بروز نفس عقلانی و روحانی، اگر این دو نفس منشا اثر باشند وجوهای انسانی و انسانیت محور در آثار هنری تبلور پیدا می کند. اساساً هر خالق، قسمتی از درونیات خودش رو در پیدایش مخلوق بروز می دهد به معیار از کوزه همان برون تراود که در اوست.

در ابتدا معماری یک امر عرضی نبود بلکه جلوه ای از خود ذات معماری بود. در دوران باستان، بشر برای اقناع حس نیاز به پرستش، خودبخود دست به کار ساخت معابد و پرستشگاه ها میشود و عملاً نفس روحانی منبع الهام قرار می گیرد. رشد دانش و فلسفه های انسانی در دوران پس از باستان در یونان و ایران، جایگاه استفاده از عقل را به شکل خودآگاه محسوس تر می کنند. در قرون وسطی پرستش از جایگاه اقناع حس درونی به جبر بیرونی تغییر می کند و کلیساها و معابد مسخ کننده ای ساخته می شود، نهایتاً در واکنش به این رویه در انتهای این دوره، نفس روحانی عقب رانده می شود.

در دوران رنسانس و نوزایی، نفس عقلانی و شناخت حکمی از دانش بشری منشا آثار معماری شده و ساخت بناها به جای اینکه در خدمت نیازهای فرا مادی انسان باشند، بیشتر در خدمت گرایشات دنیایی قرار می گیرند. انسان به جای خدا محور عالم قرار می گیرد و آسایش نسبی دنیایی به جای آرامش های درونی هدف معماران قرار می گیرد. علومی مثل هندسه محور طراحی ها قرار می گیرند و شاهکارهای خردمندان زیادی در دنیای معماری با تبلور نفس عقلانی خلق می شوند.

خرد گرایی های رنسانس در ادامه با انقلاب صنعتی و تکنولوژی روز همراه شده و مقدمات دنیای مدرن را سبب می شوند. به دلیل رشد جمعیت و نیاز فزاینده به مسکن، معماری بیشتر در این دوره در خدمت آسایش نسبی و تولید انبوه مسکن حداقلی قرار می گیرد و در این راستا چاره ای جز همسان سازی و قاعده مندی سیستم طراحی و ساخت و ساز برای بیشتر جمعیت کره زمین نیست. این همسان دیدن همه مردم کره زمین، معماری را از بعد هویتی و فرهنگ بومی و شورانگیزی ذاتی خودبخود تهی می کند.

تلاش های دوران پست مدرن برای بازگرداندن عواطف آشنای گذشته به معماری به دلیل رویکرد سطحی و صرفاً کالبدی و نه رویکرد به حس ها و مفاهیم پشت آثار هنری، نهایتاً منتج به شکست می شود. از دل این تجربه با ارزش، سبک ها و مکاتب هنری بسیاری پدید می آیند که هرکدام تلاش می کنند نوعی از زیبایی های دنیای جدید را معرفی کنند و نهایتاً کثرت گرایی فزاینده و نسبیت در شناخت زیبایی ها در بعد بیرونی هویت به اوج خود می رسد.

در تاریخ معماری ایران هم، ابتدا معماری به شکلی زلال تجلی ذات معمار و در خدمت نیازهای انسانی به شکلی حکیمانه پدید می آید و در بستر تاریخ رشد می کند و از دستاوردهای مردم ایران زمین در علوم مختلف بهره می برد. همچنین توانمندی اقوام دیگر به شکلی برساو شده به معماری ایرانی وارد می شود. هر زمانی که معماری در خدمت مردم و نیازهای واقعی جوامع است رشد کالبدی و زیبایی شناختی خود را به نسیبه داراست و هر زمان که در خدمت دربار و قشر مرفه قرار می گیرد دچار تکلفات و بیهودگی ها و نهایتا انحرافات جدی می گردد.

در طول تاریخ با فراز و نشیب های بسیار و التقاتلات فرهنگی گسترده، این روند ادامه پیدا می کند و نهایتا در دوران قاجار با سفر شاهان قاجار به اروپا، ورود عناصر معماری های فرنگی به اوج خود می رسد و بسیاری از حکمت های معماری ایرانی رو به زوال جدی تری می گذارد.

دوران پهلوی اول با عصر جهانی سازی معماری به شکل توده ای همراه می شود و در دوران پهلوی دوم به دلیل باز شدن درهای ایران رو به دنیای غرب، بیشترین میزان سبک های وارداتی در ایران بروز پیدا می کند. پس از انقلاب با تغییر نگرش در سیستم اجتماعی و فرهنگی، رویکرد به تغییرات اساسی شروع می شود، اما تحت تاثیر جنگ و بحران های پس از انقلاب، امکان کار زیربنایی فراهم نمی گردد.

در دوران سازندگی پس از جنگ فقط امکان ساخت جان پناه های حداقلی که به صورت نسبی آسایش افشار مختلف را فراهم کند به وجود آمد و عملا فرصتی برای پرداختن به مسایل زیبایی شناختی و فرهنگی به دست نیامد.

در سال های اخیر، پرداختن به بعد هویت ساز معماری به دلایل ضعف های نسبی هر دوره مخصوصا در ۵۰۰ سال اخیر، بیشتر وادادگی نسبت به دنیای جدید بروز کرد و عملا نتایج مطلوبی حاصل نشد تا در این از هم گسیختگی سه ضلعی بین سیستم های سیاستگذار، متخصصین و افشار مردم، نظام سرمایه داری تعیین کننده مسیر حرکت ساخت و ساز در کشور باشد و بیشترین میزان ناهنجاری های معماری و شهرسازی به وجود آید.

با ظهور انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی که به جهت اتصافشان به صفت اسلامی وجه بارز و شاخص آنها صبغه فرهنگی‌شان می‌باشد، این امید تقویت شد که به سلطه حدود یک‌صدساله تفکر معماری و شهرسازی بیگانه بر شهرها و مجتمع‌های زیستی ایرانی که به صور گوناگون سبب بروز و ظهور ناهنجاری‌های کالبدی و فضایی شهرها و به تبع آن ظهور و تشدید معضلات اجتماعی و فرهنگی شده بود، خاتمه داده شود. لیکن در عمل چنین اتفاقی رخ نداد. امیدها به یأس مبدل شد و روال گذشته در شهرسازی و معماری همچنان ادامه یافت. این در حالی بود که مسئولین متدین و متخصص که کسی در مسلمانی‌شان شکی ندارد نیز عهده‌دار امور بودند. و البته سخن از معماری و شهر و شهرسازی (اسلامی و ایرانی) نیز دائماً مطرح بوده است. به این ترتیب این سؤال اساسی مطرح می‌شود که اشکال در کجا است؟ یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که ضرورت انجام چنین پژوهشی را محرز می‌دارد عدم آگاهی عموم از روش بهره‌گیری از متون اسلامی در تعریف شهر و محیط اسلامی و یا به عبارتی غفلت از متون اسلامی در تبیین و تدوین تعاریف مرتبط با محیط زندگی و مشی در زمین و روش‌های تجلی کالبدی بخشیدن به ارزش‌های اسلامی در شهر و محیط زندگی می‌باشد.

مورد دیگری که آگاهی به آن ضرورت تهیه هر طرح و برنامه‌ای است، آگاهی به تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، روش زیست و محیط زندگی بر یکدیگر است که این مهم نیز معمولاً مغفول مانده و یا تحت تأثیر تفکر سوداگرانه حاکم بر معماری و شهرسازی قرار گرفته است. این غفلت سبب می‌شود تا علی‌رغم اعتقاد به اسلام و تدین، تفکر دینی بر برنامه‌ها حاکم نبوده و تکرار و تقلید الگوهای بیگانه امری عادی تلقی شود. به این ترتیب جامعه دچار نوعی جو‌زدگی شده و با تقلید از الگوهای (نظری و علمی) زیستی بیگانه، به مرور فرهنگ و مبانی معنوی جامعه نیز تحت تأثیر قرار گرفته و هویت بیگانه رواج خواهد یافت.

سایر مواردی که بانی اشکالات شهرسازی معاصر ایران هستند و مطرح کردن آنها می‌تواند به عنوان ضرورت انجام مطالعه معرفی شود عبارت از: فقدان مبانی نظری مبتنی بر جهان‌بینی ملی^۱، عدم اتفاق نظر در معنای تعابیر و مفاهیم براساس جهان‌بینی و

۱- مراد از ملی در اینجا، استناد به قومیت و محدوده جغرافیایی نبوده و مقصود مجموعه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک ملیت مشتمل بر باورهای دینی، ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها، سرزمین، پیوستگی‌های تاریخی، مدنیت و سایر

فرهنگ ایرانی، فقدان تعریف شهر و مبانی نظری شهرسازی برگرفته از متون اسلامی، غفلت از عامل فرهنگ، توسعه توسط غیر متخصصین، تقلید ناقص و نابجا از دیگران، بحران هویت و بی‌توجهی به معیارهای علمی هستند.

تأثیر محیط بر انسان و رفتارهای او امری است بدیهی است که طی دهه‌های اخیر نیز مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته است.

فرض بر این است که محیط در سطوح مختلفی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای آنی، تابعی از وضعیتی هستند که در آن اتفاق می‌افتند. برای مثال، آرایش مبلمان و اثاثیه در یک اتاق بر شیوه تعامل افراد در آن اتاق با یکدیگر، تأثیر می‌گذارد. شخصیت مردم یک کشور، توسط طبیعت و نوع محیطی که برای مدتی طولانی در آن زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد. تفاوت‌های نژادی در شخصیت، تا حد زیادی، به تفاوت محیط‌هایی که مردم نژادهای مختلف برای چندین نسل در آن زیسته‌اند، بستگی دارد. (موس، ۱۹۷۶)

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ پژوهش‌هایی که به بررسی تأثیر متقابل محیط و انسان اختصاص داده می‌شدند به عنوان بررسی‌های تخصصی رشته‌های «روانشناسی محیط»، روانشناسی اکولوژیک یا علوم اکورفتاری منتشر شدند.

گرامان (۱۹۷۶) روانشناسی محیط را مکمل روانشناسی عمومی فاقد محیط می‌داند. پس روانشناسی محیط نیز یکی از زیر مجموعه‌ها و رشته‌های تخصصی روانشناسی عمومی است. آقای گرامان به این نتیجه می‌رسد که در روانشناسی سنتی به ابعاد محیطی - فرهنگی توجه کافی نشده است و این پدیده موجب پیدایش رشته روانشناسی محیط یا اکولوژیک شده است.

در دهه هفتاد پژوهشگران ویژگی‌هایی را برای روانشناسی محیط گزارش کردند که عبارتند از:

۱- در بررسی‌های روانشناسی محیط انسان را از محیط طبیعی وی جدا نمی‌کند بلکه انسان را بعنوان بعدی غیر قابل تفکیک از شرایط محیط مورد پژوهش و بررسی قرار می‌دهند.

عوامل مؤثر بر احراز هویت یک جامعه واحد است.

۲- در روانشناختی محیط به آداب، رسوم، ارزشها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی توجه می شود.

جیفورد (۱۹۹۷) روانشناسی محیط را «بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی» تعریف می کند. به عقیده وی، در چنین تأثیر متقابلی، فرد محیط را دگرگون می کند و همزمان، رفتار و تجارب وی به وسیله محیط دگرگون می شود. منظور از قرارگاه فیزیکی، فضای فیزیکی با هدف های کاربردی و سازمانی تعریف شده است، مانند مدرسه که محل تعلیم و تربیت است.

به طور خلاصه، در روانشناسی محیط، رفتار در تعامل با ابعاد فیزیکی - معماری یا نمادی محیط مورد بررسی قرار می گیرد.

به این ترتیب در صورت تمایل به رشد فرهنگ ملی و دینی جامعه یکی از راهها، ایجاد محیط مناسب و مطلوب می باشد.

با اثبات رابطه فرهنگ و جهان بینی با طراحی محیط زندگی، در دسترس بودن مبانی و اصول ضرورتی است که معمولاً مورد غفلت قرار گرفته و به جای آن، کالبد گذشته و تاریخی، معماری خاص و یگانه آن فرهنگ، مثلاً اسلامی، قلمداد می شود.

نبود اتفاق نظر در مفاهیم براساس جهان بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی

تعابیر و مفاهیم و عناوین موضوعات مرتبط با زندگی و حیات شهری را در مقایسه با فرهنگ های ملی و بیگانه در ۶ دسته اصلی می توان طبقه بندی کرد:

- دسته اول اصول و ارزش هایی ملی و فرهنگی هستند که ریشه در جهان بینی و دین و آرا و باورهای مردم داشته و بدون تأثیر پذیرفتن از تفکرات بیگانه همچنان در جامعه حضور دارند، و تحولات و تغییرات آنها ناشی از پویایی و تکامل و تصفیه درونی جامعه است. این دسته از اصول و ارزش ها ابداع و یا تفسیر شده توسط تمدن و فرهنگ ایرانی می باشد که در مطالعه بسیاری مفاهیم فرهنگی و فلسفی و آداب و سنن این ملت مشهود هستند.^۱

- گروه دوم نیز از موضوعاتی فرهنگی و ملی هستند که در اثر تماس با بیگانه

۱- ر.ک: نصر، ۱۳۷۲؛ اعوانی، ۱۳۷۳؛ نقی زاده، ۱۳۸۱ ح

دگرگون و مسخ شده‌اند. به عبارت دیگر تعاریف این مفاهیم در اثر رسوخ تفکرات بیگانه دگرگون شده‌اند. مثلاً مفاهیمی همچون عقل، علم، هنر و امثالهم که در تفکر اسلامی و آرای حکمای مسلمان و ایرانی معنایی دارند که با معنای متّخذ از مغرب‌زمین که در حال رواج و استناد است متفاوت و گاهی در تضاد هستند.

- نوع سوم تعابیر مفاهیمی هستند که اساساً مورد توجه فرهنگ بومی نیز بوده و ریشه در جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی داشته‌اند اما با معادل‌گزینی‌های بیگانه برای آنها، معنا و مفهوم جدیدی برای آنها را به ذهن متبادر می‌سازد که با معنای اولیه آنها متفاوت و حتی متضاد است. این دسته مفاهیم که به گروه دوم فوق‌الاشاره بسیار نزدیک هستند، توسط ترجمه‌های ناصواب (که البته غالباً به دلیل این که واژه‌ها در هر زبان و فرهنگ علاوه بر معنای ظاهری بار اخلاقی و معنوی خاص خویش را دارند چاره‌ای از انجام آنها هم نیست) به مرور از معنای اصلی خود دور افتاده‌اند، مثل واژه‌های سنت، هنر و نوگرایی.^۱

- طبقه چهارم واژگان و مفاهیم ظاهراً جدید اخذشده از بیگانه هستند که نه با عناوین موجود ولی به اشکال و عناوین دیگر در فرهنگ ملی حضور داشته و توصیه شده‌اند. نمونه بارز این گروه را در تعبیری همچون توسعه، توسعه پایدار، انسان‌گرایی، محیط زیست و نظایر آن می‌توان یافت، که اگرچه مفاهیمی ظاهراً مطرح‌شده در مغرب‌زمین هستند لکن وجوهی بسیار غنی‌تر و متعادل‌تر از آن چه که در غرب رایج است از تعالیم اسلامی و آرای حکمای مسلمان قابل استخراج است.^۲

- دسته پنجم موضوعاتی هستند که اساساً از بیگانه اخذ شده‌اند، ثمره دانش بشری بوده و فی‌نفسه خنثی هستند. این دسته اکثراً مشتمل بر فراورده‌های صنعتی هستند که نحوه استفاده از آنها، بسته به فرهنگ و جهان‌بینی جامعه می‌تواند اثرات متفاوت و حتی متضادی را در روند حیات و شیوه زیست جامعه به وجود آورد.^۳

- گروه ششم موضوعات و مفاهیمی هستند که از بیگانه اخذ شده‌اند، لکن موضوعاتی

۱- ر.ک: گنون، ۱۳۶۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۱

۲- برای نمونه ر.ک: جعفری، ۱۳۷۶

۳- هر چند که استفاده بی‌رویه و بی‌منطق و مقلدانه از ماشین نیز ابتلائات خاص خود را دارد (ر.ک: نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

صرفاً علمی و تجربی و فی‌نفسه خنثی (همچون دسته پنجم) نیستند. موضوعات این دسته برآمده از تفکر و جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط محیطی و اقلیمی و تاریخی جامعه مبدع بوده و واجد و متکی بر مبانی نظری خاص خود می‌باشند، از جمله انواع نظریه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های شهری، مکاتب مختلف هنری و معماری، اشکال و نشانه‌های قراردادی، دیدگاه‌های مربوط به روابط انسان و محیط و فرآورده‌های انسانی، شیوه‌های زیست و مصرف و روابط انسانی.

مروری اجمالی بر این موضوعات و چگونگی ارتباط آنها با فرهنگ ملی و بیگانه و میزان تأثیرشان بر توسعه‌های شهری حاکی از آن است که هر مقوله نیازمند توجهی جدی و تحقیقی کارشناسانه است تا در تدوین مبانی نظری که ضرورت اصلی و اولیه هر طرح و برنامه‌ای است که بتوان کمک کند. درواقع سخن در این است که با انتشار معنا و مفهوم واژه‌ها و تعابیر باید زبان مشترکی بین دست‌اندرکاران مسائل شهری و جامعه به وجود آید، که بر فرهنگ ملی استوار بوده و ضمن حفظ هویت ایرانی در تعامل با فرهنگ و آرای بیگانه بتواند ابراز وجود و احساس شخصیت و عزت نموده و از احساس حقارت و از خود بیگانگی برهد.

فقدان مبانی نظری شهرسازی برگرفته از متون اسلامی از دیگر مشکلات موجود در عصر حاضر است. متون اسلامی همواره به عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین منبع استنتاج مبانی نظری و مختصات علوم اسلامی و فعالیت‌های دانشمندان مسلمان در همه زمینه‌ها از جمله: هنر، معماری، جغرافیا، ریاضی و سایر علوم و فنون مورد استفاده و استناد قرار گرفته‌اند. نحوه استفاده از این متون نیز به این شکل نبوده که عالم در پی شناسایی موضوعات جزئی و مختصات مصادیق خاص از متن آنها باشد، بلکه آنچه که مهم بوده مختصات جهان‌بینی و تفکری بوده که بایستی عالم و دانشمند و هنرمند و حکیم در آن فضا و بر آن بستر عمل می‌نموده است. برای نمونه می‌توان از گواهی بسیاری از اندیشمندان بر تأثیر تفکر توحیدی مسلمانان بر فرآورده‌های علمی و صنعتی و هنری آنان سخن گفت. این در حالی است که متأسفانه امروزه گاهی سعی بر آن است تا با متون و نصوص مذهبی به مثابه کتاب دستی^۱ عمل شده و جزئیات مصادیقی همچون شهر و

آپارتمان و راه بازار و سایر عناصر و اجزای شکل دهنده محیط از آنها خواسته شود و البته چون مستقیماً چیزی یافت نمی‌شود، موضوع سکونت اسلام در مورد شهر و محیط زندگی مطرح شده و در پی آن، به میل و نظر شخصی و تقلیدی از بیگانه عمل می‌شود. این در حالی است که از متون اسلامی می‌توان و باید اصول مشی در حیات و از جمله شهرسازی و زندگی شهری را استخراج نموده و براساس آن عمل کرد. موضوعی که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیار از اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است.^۱ مضافاً این که موضوعات، مفاهیم، ارزش‌ها و توصیه‌های مندرج در متون اسلامی در هر مقوله‌ای از فعالیت‌های انسانی می‌توانند معنای خاص خویش را داشته باشند، و این وظیفه متخصصین هر رشته از علوم و فنون و هنرها خواهد بود تا در حیطه فعالیت خویش نسبت به بهره‌گیری از آنها در تدوین مبانی نظری و تعیین معیارهای ارزیابی مصادیق اقدام نمایند. به این ترتیب هم جستجوی مختصات مصادیق در متون اسلامی راه به جایی نخواهد برد و هم این که مصادیق تاریخی را الگوی فیزیکی و لایتغیر شهر اسلامی قلمداد نمودن روشی ناصواب در تعریف شهر اسلامی است. راه درست آن است که اصول و مبانی از متون استخراج شده و برای هر زمان و مکان تفسیر خاص زمانی و مکانی آن برای شهر و محیط زندگی ارائه شود. بی‌توجهی به معیارهای علمی نیز یکی دیگر از مسائل معماری و شهرسازی این زمان است. علی‌رغم داعیه علمی داشتن غالب طرح‌ها و برنامه‌ها، که البته در اینجا ابداع قصد نقد و تعیین صحت و سقم و میزان هماهنگی آن با فرهنگ ایرانی در میان نمی‌باشد،^۲ تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. نظریه‌ای که غالباً از آن صحبت می‌شود موضوع میزان و درجه محصور بودن فضا و رابطه آن با مطلوب بودن و احساس آرامش و راحتی و بالعکس احساس فشار در انسان است. این موضوع که از آرای راب کریر استخراج شده، در منابع فارسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.^۳ با توجه به این تناسبات در حالی که ساختمانی ۱۴ طبقه (با حدود ۴۲ متر ارتفاع) در کنار بزرگراهی با ۴۰ متر عرض تقریباً نسبت ۱/۱ را دارد که نسبت مطلوب قلمداد می‌شود ساختمانی ۴ طبقه (حدود ۱۳ تا ۱۴ متر ارتفاع)

۱- Hakim, der, 1984; Hui Serageldin, 1989

۲- برای مطالعه در موضوع و معنای علم و مقایسه آن در فرهنگ‌ها و جهانی‌های مختلف ر.ک: گلشنی، ۱۳۷۷؛

نفی‌زاده، ۱۳۸۰.ب.

۳- ر.ک: توسلی، محمود، ۱۳۶۵

در کنار یک کوچه سه یا چهارمتری و کمتر از آن، نسبت ۴/۱ را به وجود می‌آورد، که بسیار فشرده و خفقان‌آور است. و این نسبت در دهه گذشته به شدت رواج یافته است. به این ترتیب علی‌رغم این که این گونه ساخت‌وسازها هیچ نسبتی با عملکردایی به مفهوم رایج ندارند، از نظر فرهنگی، از نظر بستن جریان هوا و نور به روی دیگران، از لحاظ تشدید کمبود خدمات در محلات، از نظر افزایش نامتعادل و غیر انسانی تراکم ساختمانی و جمعیتی، از نظر اتلاف و ضایع کردن منابع ملی، از نظر آلودن محیط زیست (حداقل در اثر تخلیه نخاله‌های ساختمانی)، از نظر شلوغی و ازدحام، از نظر ترویج الگوی مسکن بسیار نامطلوب، از نظر اشراف فضاها و ساختمان‌ها به یکدیگر و تحت سلطه بیگانه قرار دادن حریم خصوصی خانواده، و بسیاری معضلات دیگر مشکل‌آفرین و غیر حکیمانه هستند. علاوه بر همه اینها حتی ساده‌ترین موضوعات علمی رایج همچون مکان‌یابی عملکردها و عناصر شهری، تلفیق مناسب محیط طبیعی و مصنوع، مرعی داشتن سرانه‌ها، تأمین خدمات و امکانات ضروری، مقیاس انسانی (نه به‌طور جامع و حتی در حد توجه به کالبد و فیزیک) و بسیاری امور رایج استانداردها (که عملکردایی و کمیته‌گرایی رایج آنها را توصیه می‌نماید)، فدا شده‌اند. در همین کوچه‌های با عرض سه تا چهار متر که در طرفین آنها ساختمان‌های ۴ و ۵ طبقه ساخته شده‌اند، جملگی ساختمان‌ها فاقد پارکینگ هستند و ظاهراً همگی جریمه پرداخته و یا به عبارتی پارکینگ در فضای باز (عمومی) خریده‌اند. محاسبه این که سطحی به اندازه یک پارکینگ به چند نفر فروخته شده است، ظاهراً نباید کار دشواری باشد. به عبارت دیگر حتی با معیارهای کمی نیز وضعیت حاضر در کنار این همه نابسامانی، نه خدمات شهری لازم تأمین شده است، نه فضای سبز لازم وجود دارد و نه پارکینگ تأمین است. به عبارت ساده آنچه که در اجرا به نظر می‌رسد آن است که با پرداخت پول (و یا به تعبیری جریمه یا عوارض یا خریداری کردن) هر گونه عمل غیر علمی، غیر فرهنگی، غیر اصولی و حتی متضاد با طرح و برنامه‌هایی که خود (با معیارهای فرهنگ ملی) مبنای صحیحی ندارند امکان‌پذیر است.

آنچه که پیش رو است

یکی از مهم‌ترین مراحل و یا لازمه بنیادین نظم‌دهی (طراحی و برنامه‌ریزی) شهر

عبارت است از وجود و در دسترس بودن مبانی نظری که هم طراح و برنامه‌ریز را هدایت نماید و هم امکان ارزیابی ایده‌ها و الگوهای وارداتی را فراهم نماید. از آنجایی که مبانی نظری عمدتاً برآمده از فرهنگ و تفکر حاکم بر جامعه می‌باشد، و با عنایت به این که طی سده گذشته قسمت عمده مبانی نظری حاکم بر غالب طرح‌ها و برنامه‌های شهری برگرفته از مغرب‌زمین بوده است، ایجاد دگرگونی در وضع موجود و هدایت معماران به سمت معماری اسلامی، و همچنین آگاهی دادن به مردم در تمیز شهر اسلامی از شهر غیر اسلامی مستلزم مبانی نظری برآمده از تعالیم اسلامی است که به کمک آن بتوان معیارهای ارزیابی و ضوابط طراحی و برنامه‌ریزی را استخراج نمود.

درواقع با تحقیق در درجه لزوم و امکان تجلی اصول و ارزش‌های اسلامی در همه زمینه‌های زندگی و از جمله نظم‌دهی محیط زندگی مسلمان، زمینه مساعد تعریف شهر و معماری اسلامی به عنوان یکی از وجوه تجلی ارزش‌های فرهنگی و احراز هویت جامعه فراهم می‌شود. بنابراین مهم‌ترین هدف طرح عبارت از تبیین ویژگی‌های نظم شکل‌دهنده محیط زندگی مسلمان برگرفته از جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی می‌باشد. اهداف تبعی آن عبارت از «احراز هویتی فرهنگی و اجتماعی برای شهرهای ایرانی» و «شناسایی مبانی امحاء اشکالات و بی‌نظمی‌های موجود» خواهند بود.

در تشریح این اهداف باید گفت که: مطالعه مشکلات و معضلات و تابسان‌های شهرهای معاصر نشان می‌دهد که این مشکلات نیز همانند جملگی معضلات و مشکلات انسان معاصر (در همه زمینه‌ها و از جمله محیط زیست اعم از طبیعی و مصنوع) حاصل تأثیر و رواج جهان‌بینی و اخلاق مادی‌گرا و عملگرا و دنیاگرایی معاصر است. توجه به این امر ضرورت دارد که تبعیت از این جهان‌بینی و اخلاق و روش زیست الزاماً به معنای مسلمان نبودن نیست، بلکه می‌شود مسلمان بود و اخلاق مادی داشت، به عبارت دیگر چنان چه شهید مطهری در مورد امکان تأسی فردی با عقاید الهی، از اخلاق مادی می‌فرماید:

مادی‌گرایی گاهی اعتقادی است و گاهی اخلاقی. مادیت اخلاقی یعنی این که شخص هر چند از نظر اعتقاد معتقد به ماوراء طبیعت است ولیکن از نظر اخلاق و عمل مادی

این روند نیز به نوبه خود عامل بروز مادیت اعتقادی می‌گردد. به این ترتیب عدم آشنایی به ارتباطات موجود میان عقاید انسان با اخلاقی که به آن متخلق است سبب می‌شود که در صورت تبعیت از اخلاق متضاد با اعتقادات خویش، به مرور اعتقاداتش نیز دگرگون و متحول شود. به عبارت دیگر:

همان‌طور که فکر و اندیشه بر روی اخلاق و عمل اثر می‌گذارد، اخلاق و عمل نیز روی فکر و اعتقاد و اندیشه اثر می‌گذارد.^۲

دلیل عمده بروز چنین وضعی (غفلت از اصول و ارزش‌های برآمده از باورها و اعتقادات و پیروی از الگوهای بیگانه) آن است که اولاً جهان‌بینی مستتر در برنامه و طرح‌های وارداتی و مورد تقلید، مخفی و برای بسیاری در وهله اول غیر قابل شناسایی هستند. ثانیاً انسان (حتی ناخودآگاه یا با برنامه غیر عالمانه) از جهان‌بینی‌ای تبعیت می‌نماید، درست مانند فرد بی‌سوادی که ممکن است سلیس و روان سخن بگوید و قواعد دستور زبان را به خوبی رعایت کند در حالی که به صورت علمی و آکادمیک با آنها آشنایی ندارد. به بیان دیگر هر کس به نوعی جهان‌بینی وابسته است که براساس آن جهان‌بینی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فعالیت و حیات خویش را تدوین می‌نماید. علی‌احال یکی از مهم‌ترین معضلات شهرسازی و معماری، تهیه طرح و برنامه و ارائه پیشنهاد و زندگی و فعالیت براساس جهان‌بینی بیگانه‌ای است که اساساً با بنیادهای اعتقادی و فرهنگی اکثریت جامعه ناهماهنگ است. و مشکل وقتی تشدید می‌شود که با راه‌های برآمده از همین جهان‌بینی بخواهیم معضلات ناشی از آن را مرتفع نماییم. درواقع سخن در این است که با جهان‌بینی بخواهیم معضلات ناشی از آن را مرتفع نماییم. درواقع سخن در این است که با جهان‌بینی دیگری باید به مقابله مشکلات ناشی از جهان‌بینی جاری رفت و اولین گام در این راه آموزش عمومی و آشنا بودن جامعه با منشأ و مبانی مشکلات و وضع موجود است. البته زیاد هم نباید نگران اظهار نظرهای دیگران و حتی جوسازی‌ها بود، چرا که اصولاً متفکران

۱- مطهری، ۱۱۳۵۷ الف، ص ۲۲۶ و ۲۲۷

۲- مطهری، ۱۱۳۵۷ الف، ص ۲۲۹ و ۲۳۰

جهانی به این نقطه رسیده‌اند که برای حل معضلات جهان و انسان معاصر راهی جز تلفیق معنویت با زندگی و به عبارتی راهی جز استمداد از دین و معنویت و اخلاق وجود ندارد که نمونه بارز آن برگزاری همایشی توسط بانک توسعه جهانی با عنوان معماری و معنویت یا برگزاری کنفرانس محیط زیست، دین و فرهنگ با همکاری یونپ (برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد)، در خرداد ۱۳۸۰ در تهران می‌باشد. درحقیقت جهان به درک این واقعیت رسیده است که بحران اصلی جهان و مادر همه بحران‌های پیش روی بشریت بحران معنویت و بحران اخلاقی است. علی‌ای حال یکی از گام‌های نخستین در این راه ارائه تعاریفی واحد و روشن و واضح و ملی در مورد بسیاری تعبیر و مفاهیم است، تا بتوان با زبان مشترکی سخن گفت و امکان تفاهم را فراهم آورد.

www.ketab.ir